

بهترین نقش‌های یک بازیگر تمام عیار

هریسون فورد ۸۰ ساله شد

به بهانه تولد ۸۰ سالگی هریسون فورد بازیگر نامدار نگاهی به بهترین فیلم‌های وی داریم.

به گزارش سایت خبری پرسون، به نقل از وایتی، ایندیانا جونز، هان سولو و ریک دکارد شماری از ماندگارترین شخصیت‌های سینمایی جهان هستند که با نام بردن از آنها چهره هریسون فورد در ذهن زنده می‌شود.

هریسون فورد ۱۳ جولای (۲۲ تیر) ۸۰ ساله شد. وی که یکی از بزرگ‌ترین بازیگران مورد علاقه مردم در تمام دوران است، بازیگر فیلم‌هایی مثل «ایندیانا جونز» و «جنگ ستارگان» بوده و ضمن اینکه یک بازیگر تمام عیار است، همواره موفق شده تا شخصیت‌هایش را حتی در سخت‌ترین لحظه‌های سینمایی، باورپذیر خلق کند.

فورد که در دهه ۱۹۸۰ به اوج شهرت رسید، نقطه مقابل قهرمانان اکشن فیلم‌های بزن‌بهداری بود که در فیلم‌هایی مانند «رمبو» و «غارتگر» تصویر می‌شدند. قهرمانان آن فیلم‌ها همیشه کارآیی مکانیکی داشتند؛ اما شخصیت‌های فورد همیشه عرق ریختند و ترس خود را نشان دادند. شاید ایندیانا جونز هم در نهایت پیروز شده باشد اما این حس را به تماشاگر خود القا کرد که اگر یک قدم نادرست برمی‌داشت در «مهاجمان کشتی گمشده» نابود شده بود.

فورد اما همه جور نقشی را دوست داشت و بازی در «ایندیانا جونز» و «جنگ ستارگان» این فرصت را به او داد تا از قدرت‌ش برای ساخت فیلم‌های هیجان‌انگیزی مانند «ساحل پشه» و «شاهد» استفاده کند. هر چند در طول این مسیر گام‌های ناردستی هم وجود داشت و فرصت‌هایی که از دست رفتند مانند تصمیم سرسختانه‌اش برای نپذیرفتن نقش‌هایی در «ترافیک» یا «سیرانا» یا پول‌هایی که ارزش استعدادی را که او به نقش می‌داد نداشتند (فیلمی مانند «دیوار آتش») اما همین‌ها در عین حال ترکیبی کیمیایی از جذابیت، انسانیت و عشقی را ایجاد کرد که او را به یک نماد واقعی سینما بدل ساخت.

مروری بر ۱۰ فیلم برتر کارنامه این بازیگر می‌تواند یادآور صحنه‌هایی باشد که از وی در ذهن ما ثبت شده است.

۱۰. شکوه صبح؛ محصول ۲۰۱۰. این فیلم کمدی رمانتیک به کارگردانی راجر میشل و با فیلمنامه آلین براس مک‌کنا با بازی ریچل مک‌آدامز و دایان کیتون در کنار هریسون فورد، وی را در نقش گوینده خبر تلویزیونی تصویر می‌کند که ارزش تماشا دارد.

۹. «آنچه در زیر پنهان است»؛ فیلمی ماوراءالطبیعی و در ژانر وحشت-روان‌شناختی محصول سال ۲۰۰۰ به کارگردانی رابرت زمکیس و نویسندگی کلارک گرگ. هریسون فورد همراه با میشل فایفر در این فیلم در نقش پروفیسوری ظاهر می‌شود که با همسرش (میشل فایفر) به مکانی تازه نقل مکان کرده‌اند. زن او مدام با حوادث وحشت‌زای ماوراءالطبیعی مواجه می‌شود و اینجاست که شخصیت همسر خبیث او رو می‌شود. فورد در کنار نقش‌های قهرمانانه در نقش شخصیت‌های شرور تمام و کمال نیز دیده شده است.

۸. «شاهد»؛ درامی جنایی و نئو-نوار به کارگردانی پیتر ویر با بازی هریسون فورد و کلی مک‌گیلس که سال ۱۹۸۵ اکران شد. فورد نخستین و تنها نامزدی اسکارش را برای ایفای شخصیتی کم‌حرف در نقش یک کارآگاه به دست آورد. این فیلم نشان داد که فورد نه تنها یک بازیگر، که یک ستاره است. هنگامی که یک بچه مسیحی از فرقه آمیش تنها شاهد یک قتل می‌شود، یک افسر پلیس به نام «جان بوک» تلاش می‌کند تا روز دادگاه به صورت مخفیانه از او محافظت کند. بازی در نقش کارآگاه جان بوک نشان می‌دهد وی چقدر ظریف و حساس هم هست. همکاری با پیتر ویر بعدها هم ادامه یافت که نتیجه آن «ساحل پشه» در سال ۱۹۸۶ بود.

۷. «بی‌گناه»؛ فیلمی در ژانر جنایی و مرموز به کارگردانی آلن جی پاکولا که سال ۱۹۹۰ اکران و به یکی از فیلم‌های پرفروش سال بدل شد. این فیلم کاوشی جالب از بعد تیره شخصیت فورد است. دادستانی که درباره قتل یک همکار که از قضا با وی رابطه هم داشته تحقیق می‌کند و گرچه فیلم پایان‌بندی جالبی ندارد اما تماشای فورد از تمام زوایا، چیزی کم نمی‌گذارد. این فیلم یادآوری می‌کند که سینما در ۳ دهه اخیر چقدر تغییر کرده است.

۶. «دختر شاغل»؛ درامی به کارگردانی مایک نیکولز در سال ۱۹۸۸ که ملانی گریفیث برای بازی در این فیلم نامزد اسکار شد. سیگورنی ویور و جو کیوسک و مایک نیکولز نیز نامزدی اسکار را کسب کردند. هریسون فورد که می‌توانست مانند کری گرانت بازیگر اصلی نقش‌های کمدی رمانتیک باشد، در این فیلم در نقش جک ترینر تاجری شرور ظاهر شده است.

۵. «ایندیانا جونز و آخرین جنگ صلیبی»؛ محصول ۱۹۸۹. این فیلم در ژانر اکشن-ماجراجویی به کارگردانی استیون اسپیلبرگ سومین قسمت از فرنچایز ایندیانا جونز و دنباله‌ای بر «مهاجمان صندوق گمشده» در سال ۱۹۸۱ است. هریسون فورد بار دیگر نقش ایندیانا جونز را ایفا می‌کند و شان کانری در نقش پدرش ظاهر می‌شود. گرچه در فیلم نخست ایندیانا جونز تلاش زیادی برای ایجاد یک شخصیت نمادین انجام داد، اما تصویری که او از این شخصیت ساخت در طول سال‌ها به بلوغ رسید و اکران سومین فیلم مانند امضای او شد. سومین بازی در این نقش به فورد کمک کرد تا تغییری در

کارهای کمدی‌اش ایجا کند و فیلمنامه تام استوپارد هم کمک کرد تا جا برای ارایه زیبایی شوخ طبعانه بیشتر شود. بازی فورد و شان کانری در کنار هم درخشان و رابطه بیگانه‌وار آنها نشان دهنده رقتی واقعی است. چرا این مجموعه در این اوج به پایان نرسید؟

۴. «بلید رانر»؛ فیلم پادآرمان‌شهری، نئو نوآر و علمی-تخیلی محصول ۱۹۸۲ به کارگردانی ریدلی اسکات. این داستان عاشقانه آینده‌نگر به عنوان یکی از بهترین فیلم‌های تمام دوران شناخته می‌شود؛ هرچند منتقدان تمایل دارند بر صحنه‌ها و طراحی تولید بیشتر تمرکز کنند، نقش فورد به عنوان یک پلیس سابق که وظیفه شکار رپلیکانت‌ها (آدم مصنوعی‌ها) را برعهده داشت، یادآور همفری بوگارت است که فورد آن را در حدکمال تصویر می‌کند.

۳. «فراری»؛ فیلم اکشن و دلهره‌آور سال ۱۹۹۳ که بر اساس یک مجموعه تلویزیونی دهه ۱۹۶۰ با همین نام ساخته روی هاگینز ساخته شده است. این فیلم توسط اندرو دیویس کارگردانی شده و با بازی هریسون فورد و تامی لی جونز همراه است. هرچند تامی لی جونز برای این فیلم در نقش یک قانونگذار خشن برنده اسکار شد، اما فورد به همان اندازه تاثیرگذار است و نقش ریچارد کیمبل جراحی که به ناحق به خاطر قتل همسرش محکوم شده را با یک عملکرد فیزیکی فوق‌العاده تصویر می‌کند. بازی او موجب می‌شود دنده‌های ترک خورده، رگ به رگ شدن می‌چ و ماهیچه‌های کشیده شده‌ای را که کیمبل با آنها مبارزه می‌کند و با زمان مسابقه می‌دهد تا قاتل واقعی را پیدا کند، کاملاً حس کنیم. نقش‌آفرینی فورد در صحنه‌های ابتدایی فیلم در حالی که بین غم و اندوهی که از مرگ وحشیانه همسرش و خشمی که از متهم شدن به جنایت متحمل می‌شود، واقعاً زیباست و از بهترین نقش‌آفرینی‌های وی محسوب می‌شود.

۲. «ساحل پشه»؛ محصول ۱۹۸۶ ساخته پیتر وبر. وقتی «ساحل پشه» اکران شد تماشاگران آماده تماشای این پایان عمیق نبودند. الی فاکسی که او تصویر کرد به عنوان مخترع درخشانی که خانواده‌اش را به جنگل منتقل می‌کند، بیش از حد بیقرار، بیش از حد خودشیفته و فریبده و شخصیتی سرخورده و از نظر سیاسی و اجتماعی به بن‌بست رسیده بود که نمی‌شد روی پرده تماشایش کرد. به همین دلیل فیلم در گیشه شکست خورد و تنها یک تاییدیه غیرمطمئن از منتقدان گرفت. اما این نتیجه مایه شرمساری است زیرا فورد در اعماق قلب تاریک فاکس حفاری کرد و تصویری ترسناک و فراموش نشدنی به جا گذاشت.

۱. «جنگ ستارگان: اپیزود پنجم- امپراتوری ضربه می‌زند»؛ ساخته اروین کرشنر در سال ۱۹۸۰. هیچ چیز نمی‌تواند جای هان سولو را در راس کارهای فورد بگیرد؛ شخصیتی بی‌پروا که قطب‌نمای اخلاقی خود را دوباره پیدا می‌کند. فورد هرگز بهتر از این ظاهر نشده و پیش از منجمد شدن با چنان نگاه حسرت‌آمیزی با شاهزاده لیا با بازی کری فیش و داع می‌کند که فراموش نشدنی است. این خداحافظی درست پیش از آن است که هان به نقطه اوج احساسی این اپرای فضایی برسد. با اولین فیلم «جنگ ستارگان» فورد به عنوان یک ستاره سینما شناخته شد، اما «امپراتوری پاسخ می‌دهد» بود که او را به یک اسطوره بدل کرد.